

درباره تبتمن

آغاز تبتمن هفتمین فیلم بلندی است که شوالیه سیاه پوش در آن حضور دارد و اولین فیلمی است که به بررسی اوج گیری این شخصیت از یک آنست مادر به یک فرمانده افسانه ای می پردازد. اما این فیلم بیش از آنکه قدرت و جذابیت خود را مادیون کتاب کمیک اریزنال باب کین باشد، و امداد کارگردانی است که همیشه کارهایش را جدی می گیرد و البته ستاره ای که این جدیت را براحتی بر روی پرده منتقل می کند. تا به حال، کریستین بیل که با فیلم امپراتوری خورشید از استیون اسپیلبرگ به دنیای سینما معرفی شد، عمده شهرت خود را مادیون بازی در فیلم رعب آوری روتانی آمریکایی است؛ یک فیلم وحشت و شغفگرانه که برخی آن را پیش فیلمی در آغاز تبتمن می دانند. نگاه های تند و گونه های استخوانی از بیل یک انتقامجوی فوق العاده ساخته است و تبتمن با بازی او فرسنگها با شخصیت کارتونی تبتمن با بازی آدم وست در مجموعه تلویزیونی دهه ۱۹۶۰ آمریکا فاصله دارد. بیل حتی بازی بهتری از مایکل کیتون ارائه می دهد که در دو فیلم تبتمن از تیم برتون دیدیم. آنچه کیتون نتوانست به این نقش بدهد و البته بیل در ارائه آن کاملاً موفق بوده رفتار و منش اشراف زادی بوده که لازمه شخصیت چند بعدی تبتمن است. چیزی که تبتمن بهتر از هر کارگردان دیگری در این فیلم به آن پرداخته این موضوع است که بدون بروس وین، تبتمن تنها یک ثروتمند خرفت یا توهماتی پیرامون ابهت و بزرگی است و بدون وجود خصوصیات و پیشینه وین، تبتمن تنها ابرقهرمانی بدون انسانیت و انتقامجویی بدون منطق است و شاید به همین دلیل باشد که نولان از همان ابتدای فیلم براساس فیلمنامه بسیار خوب دیوید گوپر ما را با دره اصلی تبتمن و نحوه مرگ والدین او آشنا می کند و می توانیم شاهد باشیم که چگونه وین جوان در کوچی در آن گاتهام سیتی شاهد قتل والدینش می شود و سفر مرزور را به درون خودش آغاز می کند. پس از داستان به ساهای جوانی بروس می رسد، زمانی که او در آسیا در یک گروه مخفی اخوت به نام انجمن سایه ها حضور دارد. پس از آن به گاتهام سیتی باز می گردد جایی که شخصیتی دوگانه در مقام یک شهرنشد



نبرد شوالیه سیاه پوش با اهریمن درون

نیویورک تا تیمز - مانولا دار جیس

به وجود آورد. برخلاف رابرت زوردریگر که وفاداری بیش از حد او به کمیک فرانک میلر، لذت تماشاها شهر گناه را از بین برد، مشخص است که نولان مطالعه دقیقی از پیشینه تبتمن داشته ولی بخش عمده منابع او را آثار فرانک میلر در دهه ۱۹۸۰ تشکیل می داد که هویت واقعی شوالیه سیاه پوش را به وجود آورد. همچون تبتمن آثار میلر، تبتمن فیلم نولان نیز در آماج حملات فیزیکی و روانی اهریمن هاست. در دنیای نامطمئن نولان که کارگردان آن را درسی امروزی برای دنیای خود ما نیز تصور کرد، قهرمانی وجود دارد که بین عدالت و انتقام، میل به صلح و عطش قدرت گرفتار آمده است. این تراژ همیشگی در فیلم همان نکته ای است که فیلم نولان را لذت بخش کرده و او با عوامل مختلف این ژانر آشنا را به شیوه ای تازه و نادیده به ما عرضه می کند و قبل از ورود به سالن سینما اکثر ما شاید به خاطر تماشای چند فیلم و مطالعه چند کتاب کمیک تصور کنیم که غار تبتمن را همچون اتاق نشیمن فسرلمان می شناسیم. ولی در این فیلم بروس وین در غار پر از خفاش خود در واقع بناهاده ای از زیرزمین نقی می شود. آنچه آغاز تبتمن را در کنار دنیای ارواح، تری زیویگ جزو موفق ترین آثار اقتباسی از کتابهای کمیک می کند، پهلوزدن هایش به Blade Runner و با صحنه های اکشن آن نیست بلکه دعوت نولان به تماشاها شیوه ای است که بروس وین تکه های بازل هویت تبتمن را در کنار هم می چسبند تا او را از یک نوجوان انتقامجو به یک قهرمان افسانه ای بدل کند همانگونه که همه ما از زمان خواندن اولین کتابهای کمیک عمل کرده ایم.

آغاز تبتمن کریستوفر نولان، فیلمنامه: کریستوفر نولان و دیوید گوپر براساس داستانی از گوپر و شخصیت های باب کین تدوین: لی اسمیت، موسیقی: هاش زیمر و جیمز نیوتن هاورد.

تماشاها آغاز تبتمن این تصور در ذهن پدید می آید که چگونه یک نیم عالی از هنرپیشگان، فیلمنامه خوب و توجه کافی به منبع اصلی داستان می تواند اثری فوق العاده را از یک قهرمان کتابهای کمیک

با اسپیلبرگ و جنگ دنیاها ۱۱ سپتامبر به روایت تازه

لس آنجلس تا تیمز - کنت توران

استیون اسپیلبرگ در دوران کودکی در دهه ۱۹۵۰ همیشه به آسمان نگاه می کرد و همراه پدرش از درام های فضایی چون روزی که زمین استاره لذت می برد و به دوستانتش قول داده بود روزی سیسیل ب دو میل ژانر علمی تخیلی باشد. پس از گذشت تبتمن فیلم اسپیلبرگ با مجموعه ای از جوایز و افتخارات به قول دوران کودکی اش عمل کرده است و با ساخت فیلم جنگ دنیاها یکی از بهترین نمونه های آثار علمی تخیلی را عرضه کرده است. اسپیلبرگ با الهام گرفتن از فیلمهای قدیمی این ژانر و البته با استفاده محدود از جلوه های ویژه فوق العاده ای را انجام داده که آن را بدل به یک اثر علمی تخیلی از آندهنده کرده است. جنگ دنیاها فیلمی سنتی است که بیش از هر چیز قصد دارد تا به نگرانی های جاری جامعه بشری بپردازد و البته این چیزی است که اکثر فیلمهای جریان اصلی سینما از آن دوری می کنند و همین باعث شده تا فیلم بیشتر از آنچه که خالق آن در نظر داشته و ما انتظار داریم آزردهنده باشد.

گرچه اسپیلبرگ در گفت و گوهایش عنوان کرد که تمرکز او در این فیلم تلاش یک پدر در مانده و فرزندانش در کنار آمدن با حمله موجودات بیگانه است. در پاره ای اوقات این عکس العمل با ضعیف ترین عنصر فیلم محسوب می شود. اما با حضور تام کروز در نقش آنچه مطموعات، پدری نه چندان مسؤولیت پذیری می دانند، را کوئا فانتینگ فوق العاده جاستین جاکوبین پسر نوجوان کروز و میراندا اوتو در نقش همسرش، آنچه در اکثر اوقات حس می کنیم برتری خبر نیست بلکه قدرت خیره کننده شراست و این بیشتر به وفاداری اصیل منبع فیلمنامه اقتباسی جاش فریدمن و دیوید کوپ برمی گردد. رمان علمی تخیلی هربرت جرج ولتر به همین نام که قبلاً سه بار برای مردم روایت شده است. زمانی که جنگ دنیاها در سال ۱۸۹۸ در انگلستان منتشر شد یکی از سری کتابهای علمی تخیلی محسوب می شد که در کتابش زمان و مرد نامرسی از ولتر چاپ شده بود و ماجرای حمله بیگانگان مریخی بر زمین برای تصاحب کره خاکی را روایت می کرد.

وقتی که اوسون و اقتباسی را دیویی از این کتاب را در شب هالووین ۱۹۲۸ اجرا کرد، وحشت عجیب سراسر آمریکا را فرا گرفت و به گزارش نیویورک تا تیمز حتی فردی در پای تلن فریاد می زد: دنیا می خواهد به آخر برسد و من کارهای زیادی باید انجام دهم و فیلم جورج پال نیز در اقتباس سال ۱۹۵۳ سه نامزدی اسکار به دست آورد و یک جایزه نبر برای بهترین جلوه های ویژه گرفت. جذابیت محتوای کتاب باعث شد تا بسیاری از کارگردانان از آن هیچگاه تا سرگی آیزنشتاین در پی ساخت فیلمی از آن رمان اصلی زمانی نوشته شد که انگلستان در وحشت

از حمله آلمانها به سر می برد و نمایشنامه رادیویی ولتر در آستانه جنگ دوم جهانی پیش شد و پال نیز فیلم را در اوج دوران جنگ سرد ساخت و به نظر می رسد همه آنها به امکانپذیری بودن داستانشان اعتقاد داشتند تا جایی که ولتر در مورد برنامه خود گفت: من سعی کردم تا همه جزئیات قابل باور و امکانپذیر کتاب را در کارم بیاورم و به همین خاطر غیرممکن در این فضا وجود ندارد.

در روزگار فعلی نیز وجود تهدید تروریسم و القاعده فیلم اسپیلبرگ می تواند با شرایط زمانه و پارائوی ذهنی ما هماهنگی داشته باشد و هر لحظه امکان دارد تا همانگونه که در فیلم می بینیم، دنیا به پایان برسد اما اسپیلبرگ با تریش مورگان فریزن از کتاب ۱۸۹۸ ولتر در آغاز فیلم نسبت به آن اادی دین می کند: هیچ کس باور نمی کند که باورنفرین ۲۱ دنیای ما پیش از خودمان توسط موجودات باهوشی تحت نظر قرار داشته باشند... از سویی دیگر اسپیلبرگ با کمک متخصصان جلوه های ویژه شرکت ILM تا نظیر ارشدان دنیس موران موفق شد تا فانتزی خاصی حمله بیگانگان فضایی را بیش از حد تصورمان باورپذیر کند. او در نهایت توان صدمات غیرقابل تصویری را که این موجودات بیگانه می زنند، به تصویر می کشد. از بیخار کردن مردم تا زاریهای احساسات کلیدی شهر و اسپیلبرگ در این راه با کمک همکاران هوشنگی اش مایکل کان (تدوین گر) پائول کاتینسکی (مدیر فیلمبرداری) جان ویلیامز (آهنگساز) در یک کارتر (طراح تولید) می توانست کاپوس های شان را با راپورپذیری و جذاب کند. اما تمام کروز همیشه اثبات کرده که در باه راه ماندن در شرایط دشوار را به خوبی می داند و در این فیلم نیز به قدری کاریزمای دارد که ما هرگز از بابت آنچه موجودات بیگانه انجام می دهد، برای او دلایل نسبیسمی گرچه ما نمی توانیم باور کنیم که او تا چه حد می تواند پدر بدی باشد. ولی روابط او با پسرش را به قدری بد است که در لحظاتی به نظر می رسد که بیگانگان گل این حمله را فقط برای این منظور کرده اند تا به پدری بی لیاقتش اثبات کند انجام داده اند. اما داکو فانتینگ قصد دیگری دارد. او که سابقه بازی در مقابل ستارگانی چون دنزل واشنگتن، شون پن و رابرت دنیرو دارد به مرور در هر فیلم بهتر شده است. چهره وحشت زده او در مقابله با اتفاقات هراس آور در پشت شیشه توپسیل تصویری است که قطعاً در اذهان همه ما باقی خواهد ماند. با این همه هنگامی که موجودات بیگانه سرانجام از سفینه های خود در پایان فیلم خارج می شوند شور و نفرت انگیز هستند، این موجودات انطور که تصور می کردیم همچون کوسه فیلم اروا رعب آور نیستند. اسپیلبرگ با مسین ترش عاقل تر شده و از این رو رعب انگیزترین چیزها را واقعیت های جامعه امروز می داند. اینکه ما بزرگترین دشمنان خودمان و صد البته تبتمن ایمان هستند و شاید استیون اسپیلبرگ کار خود را در این زمینه بهتر از آنچه فکر کنیم خوب انجام داده باشد و به ما اثبات کرده باشد که دنیای ما تا چه حد شکننده است.

جنگ دنیاها کارگردان: استیون اسپیلبرگ فیلمنامه: دیوید کوپب و جاش فریدمن براساس کتاب هربرت جرج ولتر تدوین: مایکل کان موسیقی: جان ویلیامز بازیگران: تام کروز (ری) داکو فانتینگ (ریچل) میراندا اوتو (ماری) آن جاستین جاکوبین (رابی)



مالزی

شب اقامت خانوادگی رایگان در کوالالامپور

طرح ویژه فروش تابستانی

زاگرس خودرو

| نوع خودرو | مبلغ ودیعه | قیمت پایه | زمان تحویل | تسهیلات طرح |
|-----------|------------------|------------------|------------|--|
| صندوق تار | ریال ۱۲۹/۵۰۰/۰۰۰ | ریال ۱۳۲/۵۰۰/۰۰۰ | یک ماهه | تخفیف ۱۰٪ - ۵۰٪ ریال بدون به قدمت پایه |
| لیفت بک | ریال ۱۳۲/۵۰۰/۰۰۰ | ریال ۱۳۹/۵۰۰/۰۰۰ | یک ماهه | یک هفته اقامت خانواده در مالتوی |
| صندوق تار | ریال ۶۰۰/۰۰۰/۰۰۰ | ریال ۱۳۲/۵۰۰/۰۰۰ | شهریور ۸۴ | سه هفته اقامت خانواده در مالتوی |
| لیفت بک | ریال ۷۰۰/۰۰۰/۰۰۰ | ریال ۱۳۹/۵۰۰/۰۰۰ | شهریور ۸۴ | یک هفته اقامت خانواده در مالتوی |

■ ماهه تلفات **بند اتوماتیک** برای هر دو مدل (صندوق تار و لیفت بک) ۱۵۰۰۰/۰۰۰ ریال می باشد.

■ مبلغ برناخت نهایی (معدن تحویل شهریور ۸۴) در زمان تحویل خودرو محاسبه و دریافت خواهد شد.

■ مشتریان محترم در صورت تمایل می توانند از تسهیلات وام (نرخ ۲۴٪) هم زمان با شرایط فوق استفاده نمایند.

■ مشتریان محترم جهت ثبت نام یا دریافت اطلاعات بیشتر می توانند به سازمان فروش شرکت زاگرس خودرو و یا یکی از نمایندگی های مجاز سراسر کشور مراجعه نموده و یا تماس حاصل نمایند.

دفعه مرکزی فروش:

تهران: ۲۸۲۲۶۰۸ و ۲۸۵۱۲۲۰۰ - ۲۱

تهران: ۷۳۳۵۲۴

اصفهان: ۹۳۳۹۸۱ - ۱۴

ارومیه: ۴۲۲۰۱۷۸

اصول: ۵۵۲۲۰۹ -

بروجرد: ۳۵۰۲۵۸

پای: ۲۲۲۲۸۲۲ - ۲

تبریز: ۲۲۰۸۷۵۰

مشهد: ۲۳۸۰۶۷۸

زاهدان: ۲۲۲۲۸۲۲ - ۲